

خبرنگاری ویژه

زهرة شریفی

آنها یونینفرم نظامی می پوشیدند، با این حال غیرنظامی به حساب می آمدند و اجازه حمل سلاح کمری یا شلیک از هر سلاحی به سمت دشمن را نداشتند. در جنگ جهانی دوم به دلیل نزدیکی خبرنگاران به جنگ، تعداد زیادی از آنان کشته، زخمی یا اسیر شدند. اسرا توسط دشمن اعدام می شدند.

تنها کاری که از دست من برمی آید

روزنامه نگاران در طول جنگ در اروپا اجازه داشتند که تقریباً تمام مراحل عملیات نظامی - از جمله صحنه نبرد واقعی - را پوشش دهند. خبرنگاران با سربازان مصاحبه و تلفات و موفقیت های میدان نبرد را یادداشت می کردند. در نهایت در پایان روز به ستاد مطبوعاتی خود برمی گشتند تا داستان و گزارششان را تایپ کنند و آن را از طریق رادیو لندن به نیویورک و سایر شهرها بفرستند.

گزارش های خبرنگاران معروفی چون «ارنی پاپل»، تصویر واضح و روشنی از شرایط جنگ به مخاطبان می داد. این خبرنگار آمریکایی پس از آغاز جنگ جهانی دوم از تهیه خبرهای آسان شهری دست کشید و داوطلب پوشش اخبار جنگ و گرفتن عکس از آن صحنه های پرتنش شد. او در آخرین نامه اش به خانواده خود نوشته بود: «تردید نیست که همه شما را دوست دارم، ولی روزنامه نگاری را بیشتر. در پایان جنگ درباره سختی های آن یک کتاب مصور خواهم نوشت تا شاید کمک شود که جنگ دیگری رخ ندهد و این تنها کاری است که از دست من برمی آید». ارنی پاپل در نهایت هنگام تهیه عکس و خبر از میدان جنگ، هدف گلوله ژاپنی ها قرار گرفت و کشته شد.

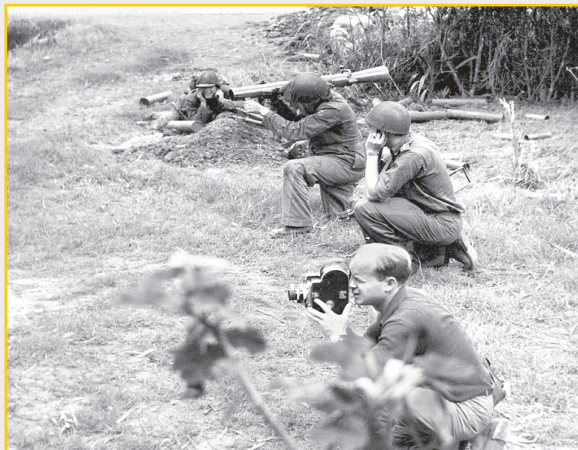
اینجا آبادان است... اینجا آبادان می ماند

همان طور که گفته شد، تا امروز شاهد کشته یا زخمی شدن خبرنگاران بسیاری بوده ایم که نه تنها به عشق این حرفه، بلکه با نگاهی متفاوت که هدفش ثبت و اعلام مظلومیت انسان های تحت ظلم و در مقابل، رسوایی ظلم ستمگران در جنگ های داخلی و خارجی کشورها بوده، به تهیه خبر و گزارش از این وقایع پرداخته اند. از جمله مهمترین آنها خبرنگارانی هستند که در جریان حملات غیرانسانی و ناجوانمردانه اسرائیل به غزه توسط این جنایتکاران کشته یا زخمی شده اند.

همچنین در کشور خودمان در سال های جنگ تحمیلی، خبرنگارانی بوده اند که چه به صورت مستقل و چه از طریق ستادهای مربوطه برای ثبت و ضبط وقایع جنگ تا خط مقدم پیش رفته و در حین مأموریت شهید شده اند، از جمله شهید سیدمحمد اسحاقی، شهید حسین ضامن، شهید داریوش گودرزی کیا، شهید حسین فرهادی کوهپایه و شهید علی نبی پور انگچی که نه تنها در اطلاع رسانی و ثبت وقایع این جنگ که برای ما معنای دفاع مقدس را داشت، نقش مهمی ایفا کردند که هر کدام به عنوان نیرویی فعال و تأثیرگذار در نبرد با دشمن فعالیت داشتند. از میان این خبرنگاران شهید، نام «غلامرضا رهبر» به عنوان اولین گزارشگر شهید صدا و سیما ایران در میان اهل رسانه معروف است؛ جوانی که او را به عنوان مبدع شیوه خبرنگاری جنگ در ایران می شناسند. غلامرضا رهبر با شروع جنگ به عنوان نماینده صدا و سیما و هماهنگ کننده اکیب های خبری صدا و سیما به مناطق جنگی اعزام شد.

حضور او در خط مقدم به قدری جدی بود که نه تنها به عنوان یک خبرنگار بلکه به عنوان یک منبع خبری مؤثق برای فرماندهان به شمار می رفت. به نقل از گزارشی منتشر شده، غلامرضا رهبر همیشه در گزارش هایش آیه ای از قرآن می خواند، اطرافیانش می گویند او اظهار می کرد دوست دارد شهید شود و همیشه با شجاعت برای تهیه گزارش تا خطوط اولیه جبهه ها می رفت.

«اینجا رادیو آبادان، صدای جمهوری اسلامی ایران...» مردم جنوب، آن روزها که خانه های مردم شهر زیر هجوم حملات بعثی ها آوار می شد، آن روزها که شهر، ویرانه ای را می ماند، بیچ رادیو کنج تاقچه را که می چرخاندند، صدایی آشنا را می شنیدند که با قدرت و آرامش، نام جمهوری اسلامی و شهر زیبای آبادان را به زبان می آورد: «هنا آبادان... اینجا آبادان... اینجا آبادان است. اینجا آبادان می ماند.» به زبان عربی هم می گفت که بعثی ها بشنوند.



«...مزار شریف سقوط کرد. هفدهم مرداد ماه ۱۳۷۷ اینجا محل کنسولگری ایران در مزار شریف است، من محمود صارمی، خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران هستم، گروه طالبان چند ساعت پیش وارد مزار شریف شدند. خبر فوری... خبر فوری... مزار شریف به دست طالبان سقوط کرد، عده ای از افراد طالبان در محوطه کنسولگری دیده می شوند، به من بگویند که چه وظیفه ای...»

این چند جمله، آخرین گفتگوی تلفنی محمود صارمی، خبرنگار ایرانی قبل از کشته شدن توسط گروه طالبان است. اعلام این خبر توسط صارمی در شرایطی بود که چند دقیقه بعد از آن طالبان، دیپلمات ها و او را در زیر زمین ساختمان جمع و بدون توجه به قواعد دیپلماتیک جهانی، به شکلی بسیار مظلومانه تیرباران و عصر آن روز هم پیکر آنان را به گودالی در خارج از کنسولگری منتقل کردند تا بگویند این جنایت کار آنان نبوده است.

محمود صارمی، نه اولین و نه آخرین خبرنگاری است که در حین انجام مأموریت کشته شده و جان خود را مظلومانه از دست داده است. تاریخ، خبرنگاران بسیاری به خود دیده که جان خود را برای اعلام اخباری که نجات دهنده جان بسیاری از انسان ها و رسواکننده اعمال جنایتکارانه بسیاری از ستمگران در جهان بوده، فدا کرده اند. در این میان آن دسته از خبرنگارانی که در حوزه جنگ فعالیت داشته و دارند بیشتر از دیگر همکاران خود درگیر آسیب های جسمانی و روانی، از کشته و زخمی شدن تا اسارت و ابتلا به بیماری های روانی شده اند.

خبرنگار این حوزه، روزنامه نگاری است که گزارش ها و اخبار دست اول مناطق جنگی را مخابره می کند. برای خبرنگار جنگ بودن، نیاز است خبرنگار در مناطق جنگ زده حضور پیدا کند و برای تهیه گزارش، عکس و فیلم، به اندازه کافی به صحنه نبرد نزدیک شود. بنابراین، خبرنگاری جنگ یکی از خطرناک ترین حیطه های روزنامه نگاری به حساب می آید و در قرن نوزدهم هم به این نوع خبرنگاری، خبرنگاری ویژه گفته می شد.

تعهد برای سانسور!

از آغاز قرن بیستم تا به امروز که بخش مهمی از آن را جنگ های بزرگ و تأثیرگذاری چون جنگ جهانی اول و دوم تا جنگ های ویتنام، کره، ایران و عراق، بوسنی، کوزوو و تازه ترین آنها اوکراین و روسیه و البته دردناک ترین آنها جنگ اسرائیل و فلسطین دربر گرفته است، خبرنگاران بسیاری در میان همه همه خونریزی ها و کش و قوس های میان سیاستمداران و قدرت طلبان و البته قربانی شدن انسان های بی طرف و مظلوم، خواسته و ناخواسته درگیر آسیب ها و مصائبی شده اند که گاه منجر به مرگ، اسارت و بستری شدن در بیمارستان های روانی شده است. این آسیب ها جدا از فشارهایی بود که از طرف سازمان ها و نهادهای خبری بر روی خبرنگاران به خصوص در جریان جنگ جهانی دوم وجود داشت، چرا که خبرنگاران این حوزه که در جبهه کشوری چون آمریکا فعالیت داشتند، باید تعهدی را امضا می کردند که مشاهدات خود را از نظر نظامی به وقت اعلام خبر و گزارش مربوطه سانسور کنند. اگر خبرنگاری موفق نمی شد این کار را انجام دهد به دادگاه نظامی منتقل می شد. در نهایت کسانی که این اتفاق برایشان می افتاد به خانه فرستاده می شدند و دیگر نمی توانستند گزارشگر جنگ باشند.

البته بیشتر آن خبرنگاران به این تعهد پایبند بودند و با دقت گزارش ها و مشاهدات خود را برای سانسورچی ها ارسال می کردند. وظیفه سانسورچی ها هم این بود که اخبار را طوری ویرایش کنند که برای دشمن ایجاد وحشت کند. هر جمله ای که ممکن بود به دشمن کمک کند یا آرامش دهد به سرعت حذف می شد.

در نتیجه در اغلب موارد چند روز تا یک هفته طول می کشید تا گزارش های مهم در روزنامه ها و مجلات آمریکایی منتشر شوند. به نقل از گزارشی منتشر شده با عنوان «خبرنگاران در خط مقدم»، بیشتر روزنامه نگاران در جنگ جهانی دوم پس از دریافت مجوز مطبوعاتی از سمت وزارت جنگ برای پوشش نبردها به خط مقدم جبهه اعزام می شدند.